



<http://www.arianafghanistan.com>



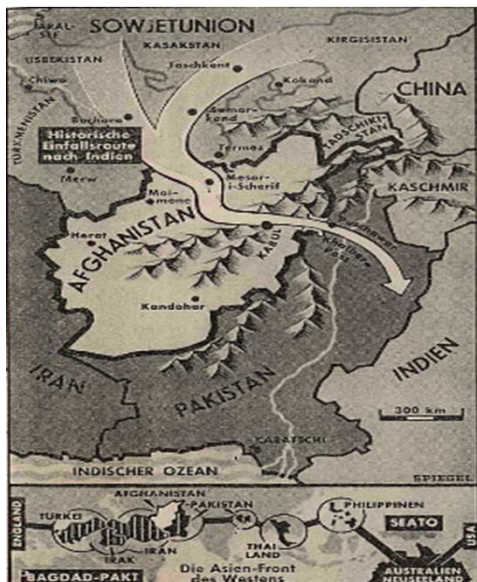
۲۰۱۹/۰۴/۱۸

دوکتور محمد اکبر یوسفی

سیاست را دینی و دین را سیاسی نسازید!

(قسمت چهارم)

برای رفع هر گونه غلط فهمی احتمالی در رابطه با عنوان مطلب، باید گفت که نباید چنین فهمیده شود، که اگر مثنی سیاسی ای



(ترجمه اشعار مهم از روی نقشه: در رابطه تاریخی نیز مانند سفید که از ساحه قلمرو "توروی" شروع شده از دره "خبر" و "پاکستان امروزی"، در حقیقت هدف "هند برتنوی" بوده است. در میان با خط سفید نوشته شده است: "مسیر تاریخی حمله بر هند". در نقشه ساحه خاک پاکستان و ایران، به یک رنگ نشانی شده است. وقتی گر افیک پاتین آفر در نظر بگیریم، که در نقشه "یکت های" نظامی کشور ها را را زنجیر مانند با هم مرتبط نشان داده است، هدف از نشون آنها، در پیمان های مشترک، با عرب بوده است. درین ترتیل، نقشه افغانستان را با رنگ سفید نشانی کرده است. بدین معنی است که افغانستان شامل این پیمان ها بوده است. بر قست اخیر "گر افیک" از چپ به "راست": "یکت - بغداد"، "جبهه سلسانی عرب"، "سرتلیا و زیلانده جدید" در قست فوقانی نام های این نو کشور، "سیانو" که یک پیمان نظامی بوده است، دیده می شود.)

که به پیروی از اصول دیموکراسی، تعیین می گردد و آنرا، جدا از مقدسات دینی مردم در نظر می گیرند، به هیچ صورت، عدم توجه به ارکان دینی معنی نمی دهد. نویسنده جدا زمانی متوجه این مفهوم شده است، که در زبان ما باید درست توضیح شود، که بعضی از رهبران "جهادی" و "تنظیمی" که در نام دولت افغانستان، کلمه "اسلامی" را درج نموده اند، و بعضاً هم چنان چنین ادعا دارند که گویا، آنچه در پروسه "روشنگری" در "اروپا"، بدست آمده است و در نتیجه شناخت علمی بیشتر از جهان به "انحصار کلیساها" در رهبری سیاسی خاتمه داده اند و بجای آن دولت های "سیکیولاریستی" را انتخاب نموده اند، مدعی می شوند که گویا دولت "سیکیولار"، "بی دین است". چنین یک ادعا اگر عمدی باشد، هدف تبلیغاتی و عوامفریبی را بخاطر گمراه ساختن مردم ما در ذهن می پروراند و در غیر آن، چنین برداشت و تصور از تعبیر این چنین مفهوم اشتباه محض است. درینجا فقط جدائی در رهبری امور دولتی یعنی "سیاسی" از امور "مذهبی" هدف بوده است، نه "بی دین" ساختن جامعه. دین را یک انسان آزادانه بحیث عقیده یا قبول کرده است و یانه. کسی که قبول کرده است، از اوامر دینی پیروی می کند و محتاج اوامر کسی دیگری نیست. دولت فقط با تدوین و تصویب چنان قوانینی مبادرت می ورزد، که بخاطر ایجاد نظم و تأمین امنیت همه اتباع، ضروری است. دولت ها، در برابر عقاید مردم و "مذهبیون" متنوع آن، موقف "نیوترال" را اتخاذ می کنند. دولت ها عمده‌تاً برای ترکیب اجتماعی «کنترل‌اینتی» و «کنترل‌الادیان» اند. دولت مکلف است، از "آزادی عقیده" و تساوی حقوق اتباع و برخورد قانونی بدون تبعیض را برای هر فرد جامعه، تضمین نماید. در اجرای

فرائض هر دین، طوری که قبلاً نیز تذکار یافته است، معتقدین، خود عمل می کنند و به امر کدام مرجع دیگر، نیازمند نیستند. به عبارت دیگر، از ارزش های کلتوری جامعه و دستاورد انسان، هر فرد، خود آزادانه استفاده می کند و آنهم هر زمانی که نیازمند باشد. احترام به "مقدسات" هر دین توسط پیروان دین یک عمل خود بخودی است. این افاده بمعنی آن نیست که کسی را از فعالیت سیاسی محروم سازد. هرگاه اتباع یک جامعه، راه "دیموکراسی" را در پیش گرفته باشند، وظیفه دولت و سیستم "حقوقی" آنست، تا مانع فعالیت هائی شود که اگر عاملین بخواهند کشور را بسوی "دیکتاتوری" و "توتالیتاریزم" سوق دهند. در کشور های غربی ای که از قرن ها قبل، "انحصار سیاسی کلیساها" ملغی شناخته شده است، پیروان مذاهب از فعالیت های سیاسی کنار نرفته اند. جهان و شرایط زندگی و همزیستی انسان ها در قرون اخیر، از ریشه تغییر کرده است. "بنیادگرایان افراطی" بیشتر از هر کتگوری دیگر اجتماعی و عقیدتی به عمق تفکر و تطابق با شرایط، برای سعادت انسان احتیاج دارند. برخلاف تصور رهبران آنها، که جهان غرب را ممکن فقط در محدوده زمان "جنگ های صلیبی" ببینند و "سیکیولاریزم" را "بی دین شدن" تعبیر می کنند، ببینیم که مذهب یون آنها، چگونه عمل می کنند.

درین کشور ها هم چنان احزابی موجود اند، که در عنوان آن احزاب مفاهیم مذهبی نیز شامل ساخته شده است، مانند "دیموکرات مسیحی" و "سوسیال مسیحی"، که همه آنها در شکل دولت "سیکیولار" متعهد هستند. در پیروان این مذاهب، تعداد بی حساب از مذاهب موجود اند، که دوران "جنگ های صلیبی" را محکوم می کنند. دین مقدس اسلام را دومین دین می شمارند، که کمیت قریب به یک و نیم میلیارد پیرو دارد. برای همچو جمعیت بزرگ، که در دولت های متعدد زندگی می کنند، شایستگی آنها دارند تا پیشوایان عاقل معقول و با خرد، بهتر ازین افراطیون داشته باشند. به این تصاویر نظر اندازید. این تصاویر زندگی قانونی و مذهبی "پاکستان اسلامی (اکثریت سنی)" را نشان می دهد. در سمت چپ تصویر بالائی، انسانی را در برابر جمعیت کثیری از سیلانیان شلاق می زنند. (در پایان تصویر فوقانی می خوانیم: «**جزای قرآنی شلاق: "نورم" از قرن هفتم**»، قرن هفتم میلاد مسیح) و در پایان تصویر "مودودی"، "شپیگل" می نویسد: («مسئک شناس اسلام مودودی: **انتخاب نکردن فقط از راه قتل**»)



(«جزای قرآنی شلاق: نورم از قرن هفتم»)
Koranstrafe Auspeitschung
Normen aus dem 7. Jahrhundert
(انتخاب نکردن فقط از راه قتل، سال ۱۹۷۹م)



Islam-Chefideologe Maududi
Abwahl nur durch Mord

(«مسئک شناس اسلام مودودی: انتخاب نکردن فقط از راه قتل»، "شپیگل" شماره ۱۵ سال ۱۹۷۹م)

درین مطلب منتشره در "شپیگل" که بتاریخ ۰۳/۱۲/۲۰۱۹، در رابطه با کمک مؤسسات مذهبی "پروتیستانت" و "کاتولیک" به کشورهای "فقیر جهان سوم" به چاپ رسیده است، توجه نماید. مجله با خط سرخ چنین نقل می کند: "**اسلحه کافی دریافت می دارند**" در سطر مقدماتی گزارش با خط درشت می خوانیم: «پروتیستانت ها و کاتولیک ها می خواهند در داخل کشورهای فقیر جهان سوم، نه تنها صدقه و خیرات توزیع کنند، بلکه خود آنها را قویتر از پیش در کشورهای رو به انکشاف، در ساحة سیاسی بگمارند. آنها از اعتصاب کنندگان حمایت می کنند، به جنبش های رهایی بخش کمک می رسانند و طرز دید حقوق اتباع را تقویت می کنند - علیه مقاومت دانشمندان علم الهیات محافظه کار»

برای مزید معلومات، از خلال این گزارش که جوانبی از فعالیت های کلیساهای آلمان، «کاتولیک» و «پروتیستانت» را نشان می دهد، مختصراً بیان می داریم، که خارج از فعالیت های دولت آلمان، صورت گرفته و به عنوان یک اقدام دوامدار، فهمیده شده است. البته دولت نقش آنها در شیوه عمل و کسب آگاهی در باره جوامع مختلف، ایفاء می کند. درین گزارش ذکر می گردد، که: "**مبالغ زیادی به چاه هائی می رسد، که باید برسد**". یکی از کارکنان سابق دولتی گفته است که: «**کلیساهای در مناسبت های سودمند بودن مصارف، خیلی مؤثرتر از وزارت عمل می کنند**». و از زبان وزیر "کمک های انکشافی" نقل می کند، که گفته است: "**ما به کلیساهای ضرورت داریم**". زیرا "کلیساهای" به "جهان سوم" بیک شیوه کاملاً دیگری کمک می رسانند.

در ادامه می خوانیم: «از دیر زمانی است که "مرد های خدا" از آنچه دوری جسته اند، که کافران آفریقا و آسیا را بیک زندگی بهتر در آخرت کمک کنند. به عوض آگاهان انجیل، چاه کن ها، معلمان را می فرستند، نه نوشته های خدا، بلکه کشت و زراعت غله وجیوبات. از دیر زمان به این طرف، "پروتیستانتها" و "کاتولیکها" کمک های آنها را به جانی می فرستند که اشد ضرورت است. - در هند به نداشتن "کاست" و باشندگان مناطق کثیف برازیل و یا به نیمه گرسنگان "اوبرولتا" (Obervolta) در آفریقا. از زبان وزیر سابق "کمک انکشافی"، "ایرهارد ایبلر" حکایت می کند که گفته است: «**منافع اقتصادی ما غالباً با منافع قشر نازک فوقانی آفریقائی و امریکای لاتین مطابقت نشان می دهد، نه با دهقانان کوچک در شرق آفریقا ویا کارگران بی زمین در "ارجنتاین"**»

مجله می نویسد: «تعجب نیست که ۸۰ فیصد پول دوباره به جمهوری اتحادی آلمان بر می گردد، که از ناحیه فرمایشات به شرکت ها، بدست می آید.» در همین گزارش هم چنان از "هيلموت شمیدت"، صدراعظم وقت (متوفی) نقل می شود که گفته است: «**کمک ها باید به فراریان، نه به فراردهندگان رسانیده شود**». این

Thursday, 9 August, 2001, 14:23 GMT 15:23 UK
Diplomats 'will visit Afghan aid workers'



Trying to convert Muslims is an offence

چنین خدمت انسانی قابل قدر است. (درین بخش بطور نمونه، کمک های کلیسای "ایونگیلی ها" را در سال ۱۹۶۹م به رقم تقریبی ۶۳ میلیون مارک تخمین نموده است، که قسمتی از آن را اعانه ها، تحت شعار "**تان برای جهان**" تشکیل می داده است. و در سال قبل (۱۹۷۸م) به حجم ۱۲۰ میلیون ارتقا یافته است... بهمین ترتیب "کاتولیک ها" در سال گذشته، مبلغ ۱۸۸ میلیون مارک اعانه جمع آوری کرده اند. (سال ۱۹۶۸م: ۵۴ میلیون مارک)

با ذکر چند نمونه مختصر، خواستیم تا تغییر اساسی که در فعالیت های سیاسی و کمک های انسانی، پیروان "کلیساهای" در شرایط تسلط حکومت یا دولت های "سیکیولار" غربی رخ داده است، از پیش چشمان ما بگذرانیم. درینجا یک نمونه مثال را از نظر می گذرانیم که قریب دو دهه قبل "رژیم طالبان"

چه نوع برخورد با کارکنان مؤسسه خیریه آلمانی در افغانستان نموده بودند. در یکی از همچو ادعا ها، خبر خطر اعدام هشت نفر، بگوش می رسید، که گویا نزد آنها کتب دینی دیده شده است. در متن گزارش می خوانیم: مقامات دولتی طالبان می گوید که دیپلمات ها ویزه دریافت می دارند، تا هشت کارگر کمک کننده خارجی که در کابل، به اتهام ترویج عیسویت بازداشت شده اند، ببینند. از زبان دیپلمات طالبان بنام "سهیل شاهین" (Sohail)

(Shaheen) می نویسد که گفته است: «من مطمئن هستم که آنها با مقامات خواهند دید و برای آنها هم چنان دسترسی به شواهد، بشمول دیدن بازداشت شدگان، خواهند داشت.» (این «دیپلمات» که زمانی از او به عنوان معاون سفیر طالبان، در اسلام آباد («ملا عبدالسلام ضعیف») یاد شده است، از همان آغاز تأسیس دفتر طالبان در «قطر»، بحیث عضو دفتر طالبان و از چندی بدینسو، در مطبوعات بحیث سخنگوی هیأت، سخن می گوید.) درین فقره، بتعداد مجموعی ۲۴ کارمند مؤسسه خبریه آلمانی بنام «محافظت بین المللی حالا» (Shelter Now International (SNI)) ار به اتهام کوشش به «ترویج عیسویت»، روز یکشنبه در کابل – که یک تقصیر از نگاه شریعت اسلام در افغانستان یاد کرده اند، بازداشت شده اند. در جمله توقیف شدگان از «چهار جرمن»، دو استرالیایی و «دو امریکائی» نام برده شده است. در تحت نام «فرمان نو» هم چنان گفته شده است که اگرچه حکم اعدام برای کسی که تلاش کند تا مسلمان را از دین برگرداند، یک رمز در قلمرو قضایی در مورد خارجی ها به وزارت امور خارجه طالبان، با میل بیشتر نسبت به تند روان پولیس مذهبی داده شده است. یک عضو کمیسیون عالی نمایندگی استراليا در پاکستان وضعیت «توقیف شدگان را نامعلوم و توأم با سراسیمگی» توصیف کرده است. او هم چنان گفته است، که «هدف عفو خواستن نبوده است. اگر خارجی ها هر کار غلط کنند، مجبور اند در برابر قوانین آنکشور جوابگو باشند.» علاوه از آن، گفته است، که «توجه ما درین است، تا دسترسی داشته باشیم و از رفاه و سلامتی آنها مطمئن باشیم و هم ببینیم که آیا کدام نماینده قانونی می خواهند؟ معاون وزیر خارجه طالبان «مولوی عبدالرحیم زاهد» گفته است که دفتر «محافظت بین المللی حالا» در کابل مسدود می گردد، زیرا این گروه «عیسویت را ترویج می بخشد» و برای آن، جای همچو دفتر در افغانستان وجود ندارد». «مشاهده»

روز چهارشنبه طالبان گفته اند، که آنها هزاران ویدیوی عیسویت حصول نموده اند و تایپ های صوتی و ترجمه انجیل (بایبل) را که بزبان محلی ترجمه شده است، از کارگران کمکی حاصل داشته اند. مؤسسه خبریه می گوید که مواد برای استعمال پرسونل بوده است. «محافظت بین المللی حالا»، خودش را به عنوان یک سازمان غیر حکومتی تعریف می کند، که در بخش تقسیم خوراک، تهیه آب و هم چنان در امر کمک به اطفال سروکار دارد. اما «طالبان مدعی اند که فعالیت های این گروه، یک جبهه است که برای عیسویت تبلیغ می کنند»؛



از دیر زمان محسوس است، که «ناسیونالیست های نژاد پرست» در اتحاد با متعصبین «افراطی مذهبی اسلامی»، چه «سنی» و چه «شیعه»، رشته های پیوند و ارتباط را در امر حفظ وضعیت بحرانی بنفع آنان مشترکاً فعالیت دارند. از وضعیت چنین الهام گرفته شده می تواند که خارج از احتمال هم نخواهد بود که این نوع فعالیت های آنها احتمالاً توسط دستگاه های مخفی کشور های متخاصم خارجی، باید هدفمند هدایت شده به پیش ببرند. چند تصویر بعدی، درین جهت، سیاست دو دولت نمونی که در مجاورت کشور ما، قبلاً به عنوان دولت های «مذهبی» «اسلامی نامگذاری شده اند، بر ملا می سازد. یکی ازین دو، نخستین دولتی است که با این صفت، بعد از تقسیم نیم قاره «هند» پدید آمده است، عبارت است از کشور «پاکستان» و دومی هم، «رژیم ملا های ایران» است، که تحت رهبری «آیت الله ها»، در صدر آنها، «خمینی» در فیروزی ۱۹۷۹م، پس از سقوط «شاه ایران» وارد صحنه سیاسی جهان شده است. درین دو دولت یاد شده، پاکستان با اکثریت سنی و ایران «خمینی» با اکثریت شیعه زندگی می کنند. «رژیم ملا های ایران» را بعضاً، دوباره احیای نظام «صفوی ها» می دانند که قدرت آنرا به عنوان یک «دولت شیعه» با انگیزه ها و پلان های توسعه فعالیت ها در خارج از مرز های آنکشور دانسته، بحیث «حافظ» رژیم های مذهبی «شیعه» عمل می کند (لبنان، سوریه، یمن و غیره) هر دو کشور، با کشور افغانستان، دارای طولانی ترین سرحدات اند، و در تمام سال های بحران افغانستان در رویدادها، دخیل بوده اند. هر دو در طول تاریخ، برین کشور محاط به خشکه، دائماً ازین وضعیت، با ورود فشار، بسود خود کار گرفته اند. در هر دو کشور علایم و تمایلات سیاسی «فاشیستی» و «نژاد پرستی» و «دشمنی» با پیروان ادیان دیگر، مشهود است. تجارب تاریخی نشان داده است، که در وضعیت بحرانی کشور ما،

همواره دشمنان سود برده اند. تا به کی شعار های میان خالی، ادامه خواهد داشت. نقشه منتشره «شیپگل»، را که در بخش قبلی نیز مشاهده نموده ایم، بار دیگر درینجا قبلاً هم از نظر گذرانیم، طوری که ترجمه مطالب مهم را هم در پایان گرافیک، به خدمت خوانندگان محترم تقدیم می داریم که در سال ۱۹۵۵م، نشر شده است.

در زمان نشر آن، ده سال از ختم «جنگ دوم جهانی» و قریب هفت سال هم از تقسیم «نیم قاره هند» می گذشت، که قوای برتانوی، در جریان آمادگی برای «عودت» به کشور استعمارگر قدیمی آنها، همزمان به تشکیل دو دولت، «مذهبی» یکی «هندو» و دیگر «مسلمان»، بجای حاکمیت استعاری انگلیسی در «هند برتانوی»، پرداخته اند. این همچنان زمانی بوده است، که در همان لحظات تأسیس این دو دولت «مذهبی»، «هندو» و «مسلمان»، فضای «جنگ سرد» نیز بروز می کند. با وزیدن باد سرد، محسوس بوده است، که مسابقات خاص تسلیحاتی را هم با خود حمل می نموده است. در نقشه، طوری که می بینید، همان دره معروف «خیبر»

هدف است، که "انگلیس" آنرا، دروازهٔ دخول به نیم قارهٔ هند می دانسته است و برای این منظور تلاش داشته است، تا قلمرو تحت اشغال آنرا، که بنام "لعل هندی" یاد می شد، از خطرات حملات حریفان خود، محفوظ نگاهدارد.

(ترجمهٔ اشارات مهم مجله از روی نقشهٔ سمت چپ: در رابطه با نشانی تیر مانند سفید که از ساحهٔ قلمرو "شوروی شروع شده از طریق درهٔ "خیر" تا "پاکستان امروزی" ترسیم شده است، در حقیقت هدف "هند برتانوی بوده است. " در متن مستطیلی با



حروف سفید رنگ نوشته شده است: "مسیر تاریخی حمله بر هند." در نقشه ساحهٔ خاک پاکستان و ایران، به یک رنگ نشانی شده است. وقتی اگر گرافیک پائین آنرا در نظر بگیریم، که در نقشهٔ "پکت های" نظامی کشورها را زنجیر مانند با هم مرتبط نشان داده است، هدف از شمول آنها، در پیمان های مشترک، با غرب بوده است. درین تسلسل، نقشهٔ افغانستان با رنگ سفید نشانی شده است. این بدین معنی است که افغانستان، شامل این پیمان ها نبوده است. در قسمت اخیر "گرافیک" از چپ به "راست: "پکت - بغداد"، "جبهه - آسیانی غرب"، "استرالیا و زیلاند جدید" در قسمت فوقانی نام های این دو کشور، "سیاتو"، که یک پیمان نظامی بوده است، دیده می شود.

این ترکیب کشورها و روابط آنها را، اتحاد شوروی، به عنوان قسمتی از خط "محاصره شوروی" تعریف می نموده است. این گزارش زمانی تهیه شده است، که افغانستان در جنوب "اتحاد شوروی"، شامل "جبهه غرب" نبوده است، و "اتحاد شوروی" در مطابقت با "پرنسپ های سیاست همزیستی مسالمت آمیز" با رژیم های مختلف، که در سیاست خارجی آن تعیین نموده بود، با دولت پادشاهی افغانستان مناسبات حسنه داشته است، بیشترین کمک های انکشافی آنکشور را که برای کشور های "فقیر" و "رو به انکشاف" جهان اختصاص می داده است، به افغانستان سرازیر می شده است.

نمونهٔ روابط نزدیک را می توان از اولین سفر پادشاه افغانستان، پس از ختم "جنگ دوم جهانی"، در سال ۱۹۵۷م بیاد آورد. درین سفر از پادشاه افغانستان، استقبال خاصی صورت گرفته است. طوری که در تصاویر می بینید، حکایت شده است، که از لحظاتی که "طیاره" حامل پادشاه افغانستان از قلمرو هوایی افغانستان خارج می گردد، یک دسته از طیارات "جیت" ساخت شوروی تا مسکو، طیارهٔ پادشاه را در فضای "اتحاد شوروی بدرقه" می نموده اند. این سفر زمانی انجام یافته است، که قریب دوازده سال از ختم جنگ دوم جهانی می گذشت، و هم در شرایطی که قریب یک دهه هم از تسلط فضای "جنگ سرد" بین "ایالات متحده آمریکا" و "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" و هم از ایجاد دولت "اسلامی پاکستان" در ساحهٔ تحت اشغال "برتانیهٔ استعماری" می گذشت، "میزبان پادشاه افغانستان"، "همسایهٔ شمالی" که به عنوان یک "قدرت بزرگ جهانی"، که از سیستم "ضد سرمایه داری" دفاع می نمود، در آنزمان با "خصومت های" نظام سرمایه داری غرب، که یک "مشی انتی کمونیستی" شدیدی را، به پیش می برد.

کشور "پادشاهی" افغانستان یک کشور اسلامی درین منطقه، طوری که قبلاً ذکر شد، با همه کشورها، مناسبات عادی، حسنه و دوستانه، برقرار داشته است، بجز کشور نو تأسیس پاکستان، که از جانب انگلیس، بحیث "میراث خوار استعمار"، و "نگهبان" منافع برتانیه جایگزین گردیده بود و دولت پادشاهی افغانستان، مسایل نا حل، ناشی از دوران استعمار داشته است، دیگر با همه کشور ها بدون تبعیض، مناسبات معمول بین دولتین برقرار می نموده است و در مجامع بین المللی فعالانه اشتراک می داشته و در قریب همه میثاق های بین المللی الحاق را می پذیرفته است. با مرور مختصر بر وقایع جهان و منطق، می بینیم که در چه وقفه های زمانی، صاحبان قدرت در منطقه و جهان برای تحکیم مواضع آنها و بهره برداری از هر گونه منازعات، با چه شیوه از احساسات مذهبی، مردم، در جهت اهداف سیاسی، استفادهٔ سوء نموده اند. این احساسات در وقفه های مختلف، در زیر "چتر" قدرت های بیرونی به جوش آورده شده است، که در وقفه های مربوط، نمونه هایی را، بیان خواهیم داشت.

حال در تحت آن شرایط دشوار کشور محاط به خشکه، مقید در تحت فشار و محدودیت های بین المللی، به این واقعه که در عرصه رقابت های قدرت، بین دو سیستم، قدرت های بزرگ رقیب وقت در جهان، که در عین زمان به عنوان پیش برندگان " جنگ سرد" شناخته شده، و فقط "سه سال" بعد از سفر "پادشاه" به "مسکو" و قریب چهار سال، بعد از عقد قرارداد های همکاری،



Der jünger U-2-Pilot Peers
Jetzt muß Amerika seine bekennen



Amerikanischer Aufklärer U-2: „Sie wollten uns unsere Ohnmacht vor Augen führen“



«(پیلوت U-2 اسیر قوا،
حال امریکا باید رنگ را بشناسد)»
«(طیاره کشف امریکائی U-2): "آنها می خواهند، نا توانی و بی هوشی ما را پیش چشمان ما بنمایش بگذارند"»



«(U-2 تخریب شده در مسکو: "حال آیزنهاور هم خودنمایی می کند")»
Wrack der U-2 in Moskau: „Nun prahlt Eisenhower auch noch“

منجمله "تسلیم، تجهیز و تعلیم " اردوی "پادشاهی" افغانستان رخ داده است. این تصاویر "آرشیف "شیپگل" گرفته شده است، که در رابطه با دخول "طیاره U-2"، در فضای قلمرو شوروی از طریق "فضای افغانستان" (۱۹۶۰م)، گزارش گردیده است. از محتوای مفصل گزارش "شیپگل" فقط خلاص مطلب را نقل می کنیم: "اینست اعتراف به گناه من": "توهین غیر قابل تحمل" (نشر شده، بتاریخ ۱۳/۰۵/۱۹۷۴ در "شیپگل") «بعد از برگشت من از سفر امریکا، حکومت ایالات متحده امریکا، انگلستان، فرانسه و اتحاد شوروی به صحبت مشترک در پاریس موافقت نمودند. قرار بوده است، تا در باره امکانات تخفیف تسلیحات و همزیستی مسالمت آمیز صحبت شود، اما نا گهان چنین چیزی واقع شد، که به تمام امیدها یک نقطه پایان گذاشت. بتاریخ اول ماه می ۱۹۶۰م ساعت پنج صبح تلفون ام زنگ زد. من گوشکی را گرفتم، صدا از انجام دیگر لین گفت: "اینجا وزیر دفاع مارشال مالینفسکی." او برآیم گزارش داد که، که یک طیاره کشف امریکائی از نوع U-2 از طریق سرحد بین افغانستان و اتحاد شوروی در قلمرو فضائی ما داخل شده و حال بسمت "سویردلفسک" به پرواز ادامه می دهد. من جواب دادم، این کار خودش است، بر این ماشین در همچو حالت تیراندازی کنید. "مالینفسکی گفت، او امر را صادر کرده است و علاوه کرد: "اگر واحد های مدافع هوائی چشمان را باز نگه میدارند و خمیازه طولانی تر بکشند، بعد ماشین را بخوبی پائین می آوریم." : "آنها می خواهند، نا توانی و بی هوشی ما را پیش چشمان ما بنمایش بگذارند"» (U-2 «طیاره کشف امریکائی»)

این طیاره "سقوط" داده شده بود، که تصویر پیلوت و هم طیاره تخریب شده را، بنمایش گذاشته اند. در همان سال ۱۹۶۰م، مناسبات افغانستان و پاکستان هم چنان ابرآلود و ازنگاه "دیپلماتیک" خیره بوده است. وضعیت را "صدر اعظم سلطنت، سردار محمد داوود خان" در سفر به "انگلستان" در همان سال ۱۹۶۰، تشریح نموده است. وقایع متعدد داخلی و خارجی که تا اکنون ذکر شده، خواهیم دید که چه دست های مرموز، از اشکال مختلف «افراطیت مذهبی»، کشور را بمراحل مختلف، در بحران غرق ساخته اند.

ادامه دارد...



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!

سیاست را دینی و دین را سیاسی نسازید (قسمت چهارم)

Yusufi_akbar_seyasat_ra_dini_wa_din_ra_seyasi_nasazid_۴.pdf